

بررسی سازگاری فرهنگی مهاجرین زن عراقی در شهرستان ایلام، ۱۳۷۶ حیران پورنجف^(۱)

چکیده

این پژوهش مطالعه‌ای میدانی است که به منظور تعیین میزان سازگاری فرهنگی زنان معاود (مهاجرین عراقی) ساکن شهرستان ایلام از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی در سال ۱۳۷۶ انجام گرفته است. ۲۵۲ نفر از زنان معاود ساکن شهرستان ایلام از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه مستقیم به عنوان جامعه نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. از آزمون مجذورکای به منظور رابطه سنجی میان متغیرها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که سازگاری فرهنگی جامعه مورد مطالعه با متغیرهای تأهل، نوع اقامت (دائم و موقت)، شغل، درآمد خانواده، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، وجود بستگان در کشور عراق و مدت اقامت در ایران دارای رابطه معنی‌داری بود ($P < 0/05$) و بین سن و سازگاری فرهنگی ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. نتایج نشان داد که هر چه فرد مهاجر در جامعه میزبان با استقبال بیشتری مواجه شده است و هر چه امکان حضور او در فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی فراهم‌تر بوده، سازگاری فرهنگی بیشتری از خود نشان داده است.

واژه‌های کلیدی: سازگاری، فرهنگ، معاود، ایلام، تئوری میدانی

مقدمه

مهاجرت به هر دلیلی که صورت گیرد بدنبال خود پیامدهایی (مثبت و منفی) برای فرد مهاجر در جامعه مبدأ و جامعه مقصد خواهد داشت. پس از وقوع پدیده مهاجرت و ورود فرد مهاجر به جامعه میزبان، چگونگی سازش و انطباق وی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مطرح می‌گردد. سه عامل رابطه بین مهاجرین و جامعه مبدأ را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

۱ - جامعه میزبان تمایل به جذب و استحاله مهاجران را داشته باشد و قوانین و مقرراتی که شهروند شدن

مهاجران و فرزندان آنان را آسان کند، وضع نماید.
۲ - تمایل مهاجران به پذیرش عضویت هم‌از نظر قانونی و هم از نظر هویتی در یک کشور دیگر.
۳ - ساختار بازار کار در جامعه میزبان بدین معنی که مهاجران را به یافتن راههایی برای مشارکت اقتصادی، اجتماعی یاری کند [۱۲].

اقلیتها (قومی، نژادی، مذهبی و ...) به شیوه‌های گوناگون در برابر چیرگی و تبعیض واکنش نشان می‌دهند. جامعه

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی ایلام

شناسان پاسخ های جوامع اقلیت به گروه غالب را به دسته های پذیرش، مقاومت، اجتناب و دوری گزیدن تقسیم می کنند [۹].

رابرت پارک، انسان حاشیه نشین را از لحاظ فرهنگی دورگه می داند که به صورت صمیمانه در زندگی فرهنگی دو جمعیت (میزبان، مبدأ) وارد شده و با هر دو فرهنگ و جهان فرهنگی آن دو شریک است هر چند مایل نیست که از گذشته خود جدا شود [۱].

روان شناسی اجتماعی در زمینه تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی در تکوین شخصیت و رفتار فرد، علل اجتماعی ناهنجاری گروهها و علل تأثیر گروهها در افراد و یا در یکدیگر با توجه به مسائلی نظیر تقلید، تلقین، رقابت، سازگاری، تعاون، ناسازگاری و ستیز، دیدگاه و نظرات خاص خود را دارد که با دیدگاه جامعه شناسی و علوم اجتماعی مرتبط و نزدیک است [۱۱].

نظریه میدانی یکی از مشهورترین نظریه های روان شناسی اجتماعی است که پایه گذار آن کورت لوین است و بر این اصل استوار است که رفتار را به جای اینکه لزوماً با طبیعت فرد تبیین کنیم باید آن را معلول ارتباط با محیط مادی و اجتماعی بدانیم [۱۱]. کورت لوین در دیدگاه روان شناسی اجتماعی خود تأکید می کند که کلیه کنشهای انسان تحت تأثیر میدان قرار دارد. از این رو هر نوع تحلیلی در این زمینه باید بر موقعیت میدان به عنوان محل و مبادله پویا بین اجزای تشکیل دهنده آن باشد. اصطلاحات بنیادی نظریه میدانی^(۱) شامل فضای

زندگی، میدان اجتماعی، نظام تنش^(۲) و مفهوم تعارضی^(۳) می باشد [۷]. لوین در تحلیل این مسئله که چگونه در درون حوزه کلی، عمل رفتار تحقق پیدا می کند، به سیستم تنش و هیجان اشاره می کند. این سیستم به طور مداخله ای رفتار هدفداری را تولید می کند ولی در مواقعی این چنین نیست و ساخت نیروی میدانی تمایل به تولید اعمالی با تمایلات متعارض و مخالف دارد. لوین سه نوع از چنین تظاهرات رفتار را مشخص کرده که عبارتند از:

۱- هنگامی که فرد بین دو حوزه با والانس (تقویت کننده) مثبت قرار دارد و مشکل فرد انتخاب یکی از آنهاست.

۲- زمانی که فرد بین حوزه با والانس منفی قرار دارد و اگر چنانچه نتواند آن را ترک کند و یا حوزه دیگری بسازد، مجبور است بین این حوزه های والانس منفی یکی را انتخاب کند.

۳- زمانی که فرد بین دو حوزه والانس مثبت و والانس منفی قرار داشته باشد و شدت و ضعف والانس این حوزه ها نشانگر تحقق یا عدم تحقق هدف مورد نظر است [۷].

اخراج و آوارگی ایرانیان مقیم عراق (معاودین)^(۴) یکی از مهمترین و قابل توجه ترین نتایج تنش و اختلافات ارضی، مرزی و سیاسی میان دو کشور ایران و عراق می باشد [۶].

1- Life Space

2- System Tension

3- Conflicts

۴- معاود از ریشه عربی عود و عودت به معنی بازگشتن و بازگردیدن، اصطلاحاً به ایرانیان مقیم عراق گفته می شود که قبل از انقلاب اسلامی بر اثر اختلافات ارضی و سیاسی میان دو کشور از سوی دولت عراق به ایران بازگردانده شدند.

در این مطالعه از شاخص سازگاری و نهایتاً مجموع درجات سازگاری (مجموع امتیازات فرهنگ پذیری و رضایتمندی که حداقل ۳۹ و حداکثر ۱۱۶ بوده است) به عنوان متغیر وابسته استفاده گردید و متغیرهای اجتماعی - اقتصادی شامل نوع شغل، سواد، محل تحصیل، نوع اقامت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، وجود بستگان در کشور عراق و مدت اقامت در ایران به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شدند. به منظور تعیین میزان سازگاری فرهنگی به عنوان یک متغیر کیفی از شاخص سازی در ابعاد فرهنگ پذیری و رضایتمندی استفاده گردید.

یافته های پژوهش

در این مطالعه تعداد ۲۵۳ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. طبق نتایج حاصله در میان زنانی که دارای سازگاری خوب بودند، ۶۰٪ کارمند و معلم، ۱۵/۶٪ خیاط و آرایشگر و ۲۴/۲٪ خانه دار بودند. با استفاده از آزمون مجذورکای رابطه معنی داری میان سازگاری فرهنگی و نوع شغل وجود داشت ($P=0 < 0/05$)، با این توضیح که در مجموع ۱۵/۴٪ از کل جامعه مورد مطالعه شاغل بودند. میان سازگاری فرهنگی و نوع اقامت (کارت شناسایی) نیز از لحاظ آماری ارتباط معنی دار بود ($P=0 < 0/05$)، بدین ترتیب که ۹۵/۶٪ افراد دارای سازگاری خوب از شناسنامه ایرانی و ۴/۴٪ آنها از کارت سبز استفاده می کردند. در مجموع ۳۸/۷٪ افراد جامعه مورد مطالعه دارای کارت سبز و ۶۱/۳٪ دارای شناسنامه ایرانی بودند.

در این تحقیق سازگاری فرهنگی زنان معاود از دیدگاه روان شناسی اجتماعی با استفاده از تئوری میدانی مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روشها

جامعه آماری مورد تحقیق را تمام معاودین زن ساکن ایلام تشکیل داده است که از میان آنان با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۵۳ نفر به عنوان جامعه نمونه تعیین گردیدند و به همین تعداد پرسشنامه تهیه و در میان جامعه نمونه از طریق نمونه گیری خوشه ای و طبقه ای توزیع گردید. به منظور انجام این پژوهش، اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه و مصاحبه مستقیم در طی ماههای بهمن و اسفند ۷۶ و فروردین ۷۷ جمع آوری گردید. به علت وجود احساس بدبینی و عدم تمایل به همکاری در میان افراد جامعه مورد مطالعه (مهاجرین - معاودین) که ناشی از ترس و عدم اطمینان به آینده و نداشتن تأمین برای ماندگاری دائمی در ایران بوده است، محقق با استفاده از فن مصاحبه و پس از جلب اعتماد افراد مورد مطالعه اطلاعات مورد نیاز را به صورت مستقیم و غیرمستقیم جمع آوری و به پرسشنامه منتقل نموده است. سئوالات پرسشنامه در چند بخش حاوی مشخصات فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بود. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها بوسیله برنامه SPSS.PC مورد تجزیه و تحلیل اطلاعات قرار گرفتند.

جامعه مبدأ بیشتر بوده (داشتن بستگان در کشور عراق به صورت زندانی، اسیر و یا مقیم) فرآیند سازگاری فرهنگی به کندی صورت گرفته است.

از مجموع مباحث روان شناسی اجتماعی چنین بر می آید که گروه و عکس العمل‌های آن می‌تواند در هنجارها، ارزش‌ها و باورهای فرد تغییر ایجاد نماید و از طرف دیگر وجود تقویت کننده‌های مثبت و منفی در محیط یا حوزه زندگی، عاملی در جهت وقوع یا عدم وقوع رفتاری خاص (سازگاری فرهنگی) در افراد است.

در میان افراد جامعه مورد مطالعه، وجود تقویت کننده‌های منفی (عدم پذیرش اجتماعی، عدم قبول به عنوان یک فرد ایرانی، نداشتن شناسنامه ایرانی، غریبه و بیگانه تلقی شدن، حاشیه نشینی فرهنگی و ...) از عوامل مؤثر در جهت تضعیف سازگاری فرهنگی بوده است. از طرف دیگر وجود والانس‌های مثبت (تقویت کننده) مانند (پذیرش اجتماعی، تسهیل در امر صدور شناسنامه ایرانی، تسهیل در اموری چون ازدواج، کاریابی، داد و ستد و استقبال اجتماعی از معاودین به عنوان افرادی ایرانی و ...) زمینه ساز وقوع رفتار مورد انتظار (سازگاری فرهنگی) بخصوص در میان زنان مهاجر که کمترین مشارکت اجتماعی را دارا بوده و به بیانی در نوعی پبله فرهنگی فرورفته اند، بوده است.

رابطه میان سازگاری فرهنگی و میزان درآمد از لحاظ آماری معنی دار بود ($P=0<0/05$)، $57/8\%$ زنان دارای درآمد خانوادگی بالاتر از ۶۱ هزار تومان در ماه دارای سازگاری خوب بودند، همچنین $13/1\%$ نیز دارای درآمد خانوادگی به میزان ۶۰-۴۱ هزار تومان بودند و $18/1\%$ نیز بین ۲۰ تا ۴۰ هزار تومان درآمد در ماه بودند. بین سازگاری فرهنگی و وجود بستگان در کشور عراق ارتباط معنی دار بود ($P=0<0/05$). بدین ترتیب که $82/2\%$ افراد دارای سازگاری خوب، در کشور عراق کسی را نداشتند و تنها $17/8\%$ به داشتن بستگان در کشور عراق اشاره نمودند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان پذیرش و استقبال اجتماعی جامعه میزبان از فرد مهاجر بیشتر بوده سازگاری فرهنگی نیز افزایش یافته است و به بیان دیگر هر چه جامعه میزبان امکانات پذیرش به صورت یک فرد خودی و ایرانی برای فرد مهاجر را فراهم ساخته و امکان فعالیت او را در زمینه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی بیشتر مهیا کرده است، فرد مهاجر به دلیل قرار گرفتن در جریان و مسیر فرهنگی جامعه میزبان فرهنگ پذیرتر و سازگارتر گردیده است و هر چه موانع، وجود در راه سازگاری فرهنگی کمتر بوده و راه هضم و جذب (استحاله) در فرهنگ جامعه میزبان فراهم تر بوده است، فرآیند سازگاری با سهولت بیشتری صورت گرفته است.

هر چه میزان تعلق خاطر و وابستگی عاطفی فرد مهاجر به

تشکر و قدردانی

- از آقایان دکتر منصور حقیقیان و عبدالرحیم عناقه اساتید محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و آقای عبدالحسین پورنجف عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام مشاور آماری این پژوهش کمال تشکر و قدردانی بعمل می‌آید.
- همچنین از مسئولین محترم اداره امور اتباع بیگانه، استانداری ایلام بخصوص جناب آقای ارجمندی که به نحوی انجام این تحقیق را عملی نمودند قدردانی می‌گردد.
- اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۰.
- ۷ - ستوده هدایت اله؛ روانشناسی اجتماعی؛ انتشارات آوای نور، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- ۸ - کلاین برگ اتو؛ روانشناسی اجتماعی (ج دوم)، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، ۱۳۵۵.
- ۹ - کوئن بروس؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر فرهنگ معاصر.
- ۱۰ - لی اورتاس؛ یک نظریه مهاجرت؛ ترجمه بیژن زارع و ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۳۶۸.

- ۱۱ - محسنی علیرضا؛ روان‌شناسی اجتماعی، جزوه درس روان‌شناسی اجتماعی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ۱۳۶۸.

12- Weiner Myron; Determination of Immigrant Integration; 1996, PP:4658

منابع

- ۱ - ادیبی حسین، انصاری عبدالحمود؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ تهران: انتشارات جامعه، ۱۳۵۸.
- ۲ - آریان پور امیر حسین؛ زمینه‌های جامعه‌شناسی؛ تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.
- ۳ - چیتامبار جی بی؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی؛ ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۴ - روح الامینی محمود؛ زمینه فرهنگ‌شناسی؛ تهران: چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۵ - روشه گی؛ جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مؤسسه تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۶ - ساروخانی باقر و همکاران؛ ایرانیان بازگشته از عراق؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم

The cultural - compatibility of repatriated women (returned from Iraq) in Ilam, 1997.

Purnajaf H.

ABSTRACT:

This field study was aimed at identifying the cultural compatibility rate of the repatriated women, returned from Iraq and living in Ilam now, through a social psychological attitude in 1997. The sample community included 253 women whom were studied using classical cluster sampling, questionnaires and direct interviews. X tests were applied to assess the relations among the variables.

The findings implied a significant relation between the cultural compatibility of the studied community with the variables of marital status, the inhabitation sort (provisional or permanent), jobs, the families, incomes, the number of each Family's children, educational level, having any relatives in Iraq at the time and the residential duration in Iran, ($P < 0.05$).

No significant relation was seen between age and the cultural compatibility. The results also proved that; the more the repatriated person had been warmly welcomed by the host people, the better compatible she proved to be culturally.

KEY WORDS: Compatibility, culture, the repatriated, Ilam.